

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۱۱ * (۱۱ رمضان ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) تصویب يك فقره مرخصی
- (۳) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای کفیل وزارت عدلیه در تصویب آن
- (۴) شور دود لایحه تذکره
- (۵) شور ثانی و تصویب لایحه اوزان و مقیاس ها
- (۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس هشت ساعت و ربع بعد از ظهر بر بنیست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه سیزدهم دیماه را آقای مؤید احدی (مانشی) قرائت نمودند * *

خبر مرخصی آقای صفاری

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد

نماینده محترم آقای صفاری برای رسیدگی بامور محلی تقاضای مرخصی از تاریخ ۱۰ آذرماه ۱۳۱۱ لغایت ۷ دیماه ۱۳۱۱ نموده و دوعشر از مقرری این مدت را هم اختصاص باعانه فقرا داده اند که بوسیله کمیسیون عرایض و مرخصی تقسیم خواهد شد کمیسیون با تقاضای رسیدگی است قرائت میشود.

* * * این مذاکرات مشروح یکصد و بیست و ششمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: تیمورتاش - میرزا سید مهدی خان فاطمی - حاج میرزا حبیب الله امین - امیر ابراهیمی - آشتیانی
 طباطبائی و کیلی - ارباب کبکچرو - دکتر لقمان - وکیل - فقه - بتکدار - موقر - آقا زاده سبزواری
 غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر امیر اعلم - اسفندیاری - رهنما - عبدالعسین خان دیبا - دربانی - حکمت
 حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان: ناصری - افشار
 دیر آمده بی اجازه - آقای معراز

ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد
رئیس - اشکالی نیست؟ (خیر) موافقین با مرخصی
آقای صفاری قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای کفیل وزارت عدلیه
[۳- تقدیم یک فقره لایحه فوری از طرف آقای کفیل
وزارت عدلیه و تصویب آن]

کفیل وزارت عدلیه - (آقای متین دفتری) لایحه
ایست راجع به مجازات نظامیانی که برخلاف حقیقت راپورت
بمقامات مافوق خود میدهند و باقید در فوریت تقدیم میشود
که تصویب فرمایند.

ساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
نظر باینکه گاهی از اوقات مستخدمین نظامی با هم
ردیف آنها راپرتهای برخلاف حقیقت بمقام مافوق خود
میدهند که ممکن است منجر به محکومیت اشخاص دیگر
شود لذا ماده واحده ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن
را بقید دو فوریت مینمایم:

ماده واحده - هر یک از صاحب مناصب نظامی و
هم ردیفان آنها و با اعضاء و مستخدمین دوایر و قستهای
قشونی راپرتی برخلاف حقیقت به مقام مافوق تقدیم نماید
و با جریانی را مستور داشته و با اطلاع مافوق نرساند و با
حقایق را پرده پوشی کرده و راپورت آن را با تغییر ماهیت
قضیه بمقام مافوق تقدیم کند و با سعی نماید که حقایق
بطور ناقص با اطلاع مافوق برسد بطریق ذیل مجازات
خواهد شد:

۱ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و
موجب اتلاف نفس شود مقصر بحبس مؤبد با اعمال شاقه
محکوم می شود و اگر اقدام یا عدم اقدام عمدی که منجر به
محکومیت به مجازاتی غیر از اعدام شود مقصر بهمان
مجازاتانی که برای محکوم مزبور معین شده است محکوم
خواهد شد لیکن اگر بعداً در نتیجه کشف حقیقت مجازات
محکوم مزبور اجراء نشود به مجازاتاتی که برای
مقصر معین شده است بکدرجه تخفیف داده خواهد شد

در صورت تعدد محکومین مجازات مقصر شدیدترین مجازاتی
خواهد بود که برای یکی از آنها معین شده است.
۲ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و
منجر باتلاف مال شود مقصر بحبس با کار از یک تا سه سال
محکوم خواهد شد.

۳ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و
هیچیک از تسایح فوق را نبخشد مقصر بحبس عادی از
۶ ماه تا ۲ سال محکوم میشود.

۴ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی نبوده
ولی منجر به محکومیت دیگری گردد مقصر بحبس عادی
از ۸ روز تا دو سال محکوم میشود بدون اینکه مجازات او
بتواند از مجازات خود محکوم بیشتر گردد مگر اینکه
محکومیت غیر با اعدام یا حبس مؤبد با اعمال شاقه باشد که
در اینصورت مجازات مقصر حبس با کار از ۲ تا پنج سال
خواهد بود.

۵ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی نبوده ولی
منجر باتلاف مال شود مقصر بحبس عادی از ۸ روز تا ۶
ماه محکوم میشود.

رئیس - فوریت مطرح است
جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست
رئیس - آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت قیام
فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد فوریت ثانوی
مطرح است. در آنهم اشکالی نیست. موافقین قیام
فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده واحده
مطرح است. آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - موافقم
رئیس - آقای افسر
افسر - بنده هم موافقم
رئیس - آقای عراقی
عراقی - بنده يك سؤالی میخواهم بکنم
رئیس - فرمائید
عراقی - چون اینجا نوشته است صاحبمنصب یا هم
ردیف آنها خواستم این همردیف را بدانم چیست؟

طباطبائی دیبا - در قانون هست
مسعودنابتی - باشد توضیح بدهند
کفیل وزارت عدلیه - مقصود همان صاحبمنصبانی
هستند که اونفرم نظامی ندارند ولی رتبه شان مطابق
رتبه صاحبمنصب نظامی است و همان جور هم حقوق
میکیرند.

رئیس - آقای دشتی
دشتی - عرض کنم در لایحه همیشه نوشته میشد
مستخدمین کشوری چون این همردیف بنظر بنده کله
زائد است یا اینکه يك معنی دیگر دارد که آقای کفیل
وزارت عدلیه نتوانستند توضیح بدهند. با صاحبمنصبان
نظامی باید نوشته شود و با مستخدمین کشوری چون
عرض کنم اساساً البته همه ما ها با لایحه موافقیم برای
اینکه بعقیده بنده نه تنها از نظامی ها بلکه در غیر
نظامیان هم اگر اشخاصی باشند که راپورت هائی برخلاف
حقیقت بدهند که باعث اتلاف نفوس و مال مملکتی
باشوند باید آنها شدیداً مجازات بشوند ولی در يك قسمت
از این لایحه راجع با اقدام و عدم اقدام غیر عمدی بود
بعقیده بنده در اینجا مجازات معنی ندارد اگر کسی
من غیر عمد يك اقدامی کرد بامن غیر عمد يك اقدامی نکرد
این را تقریباً مجازاتش را شبیه بهمان مجازات محکوم
قرار دادن خلاف انصاف و عدالت است

رئیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - عرض کنم اولاً گویا آقای دشتی
چون لایحه طبع و توزیع نشده درست توجه فرمودند
صحبت کشوری نبود. ماده واحده مینویسد هر يك
از صاحبمنصبان نظامی و با همردیفان آنها و با اعضاء و
مستخدمین دوائر قشونی (دشتی - کشوری قشون را
عرض کردم) این در قانون محاکمات نظامی در آن جا
معین کرده است (دشتی - یعنی اشخاصی که غیر نظامی
هستند و در ادارات نظامی کار میکنند) این در قانون
محاکمات نظامی است و اصطلاحات معلوم و معینی دارد
اما در قسمت اینکه اگر اقدام غیر عمدی بوده و

مجازات نداشته باشد اگر اقدام غیر عمدی بوده ولی منجر
به محکومیت دیگر گردد مقصر به حبس عادی از هشت
روز الی دو سال. این در صورتی است که عمدی نباشد
و اگر عمدی باشد که البته همان مجازاتی است که نوشته اند
و بعقیده بنده بهترین لایحه ایست که آمده است. شکایاتی
هم که در ادارات کشوری میشود همین طور است شکایاتی
که از مفتش میشود چون يك مفتش یکنفر را از کار معلق
و بیکار میکند یکسال و دو سال هم محاکمه میشود و بعد هم
ممکن است که تبرئه شود ولی بآن مفتش هیچ مجازات داده
نمیشود و البته این برخلاف عدالت است. وقتی معلوم
شود يك مفتش اگر برخلاف راپرت داده مجازات میشود
دیگر کسی اینطور راپرت نخواهد داد و بعقیده بنده این
بسیار لایحه خوبی است و خیلی باید تشکر کرد از دولت
که این لایحه را آورده اند

رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - بنظر بنده مذاکره در لزوم تصویب این
لایحه منظور هر کس است و حرفی ندارد ولی نکته را که
آقای دشتی مورد نظر قرار دادند قابل توجه است زیرا که
هیچوقت هیچ مسؤولیتی متوجه کسیکه عامد در يك عملی
نبوده است و سوء نیتی نداشته است نمیشود فرض
فرمائید يك مأموری باید تشخیص بدهد فلان
کار موضوع اقدام واقع شده در تشخیص آن مطابق دلائل
موجوده نظر منفی میکیرد و حال آنکه در نتیجه استدلال
ممکن است يك کسی ثابت کند این است که اینجا باید وقتی
رسیدگی میشود تشخیص شود که مأمور با سوء نیت این کار را
کرده است یا در نتیجه بی احتیاطی کرده است والا کسیکه
جاهل مطلق باشد در يك کاری و مسبوق نباشد بنا بر این
اورا نمیتوان محکوم دانست بنا بر این بنده عرض میکنم
که این مسئله عدم عمد یعنی کسی من غیر عمد يك کاری
کرده است یا اقدامی کرده است این را خود آقای کفیل
اگر توجه فرمایند در قوانین ما این مطلب يك اصلی است در هر
امری عامدیت بابی احتیاطی کشف شد بکنوع مجازات دارد

و الا يك مفتشی می آید يك مسئله را در نظر می گیرد و نمی تواند تشخیص بدهد که فوراً اطلاع بدهد بنا براین بند معتقدیم که آقای کفیل وزارت عدلیه موافقت بکنند که نظر آقای دشتی در این باب رعایت شود.

کفیل وزارت عدلیه - بنده متأسفانه نمیتوانم موافقت با این نظریه آقا بکنم. البته بطور کلی در اصل عمده مجازات ها يك طوری است که نمی شود منکر شد و مجازات قائل شد ولی در بعضی جرمها طوری است که قانون گذار غیر عمدش را هم نمی تواند صرف نظر کند اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند این شوفورهایی که اغلب در خیابانها اشخاص را زیر میگیرند و میکشند هیچ قصد قتل کسی را ندارند ولی در نتیجه بی احتیاطی البته باید مجازات شوند و همینطور هم در این راپورت های خلاف قانون که داده می شود یعنی بر رؤسای مافوق که راپورت میدهند باید دقت بکنند که راپورت خلاف واقع داده شود و لو اینکه عمدی هم باشد. ولو اینکه عمدی هم نباشد ممکن است باعث ضررهای مالی و جانی برای آن طرف واقع شود و بطوریکه بنده متأسفانه این پیشنهاد را نمی توانم قبول کنم.

رئیس - آقای افسر موافقتند؟

افسر - عرض کنم که توضیح آقا در باب هم ردیف معلوم شد البته نظامی ها دو قسمت هستند بعضی هستند که داخل صف هستند و بعضی هم خارج صف هستند در مباشرت در ملزومات در تقیض و غیره مقصود از هم ردیفان آن قسمت هایی هستند که داخل صف نیستند ولی جزو موظفین و مستخدمین وزارت جنگ هستند مقصود اینست چون توضیح خواستند بنده خواستم توضیح بدهم ولی بعد از آنکه آقای کفیل توضیح دادند بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - این لایحه حقیقه از بهترین لواحق است و بنده خیلی آرزو دارم که سایر وزارتخانه ها هم يك همچو لایحه تقدیم مجلس بکنند که نسبت به مستخدمین کشوری هم اگر راپورت خلاف واقع بدهند يك مجازات هائمی بشوند ولی در اینجا يك چیزی بنظر بنده میرسد در يك

موردی اینجا نوشته شده اگر متهم محکوم بمجازات شد عیناً این شخصی که راپورت داده صاحب منصب این هم به همان مجازات محکوم میشود بنده عقیده ام این است در بعضی موارد خیلی کم است اگر متهمی محکوم شده است به دو ماه یا سه ماه حبس برای اینکه راپورت خلاف واقعی داده است این مجازات برایش کم است باید از خدمت هم منفصل شود. راجع به انفصال ابد یا موقت از خدمت هم اینجا اشاره نشده است بهتر این است که يك همچو کسی که این راپورت خلاف واقع را داده است از خدمت منفصل شود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مطلبی را که نماینده محترم آقای دیبا فرمودند بعقیده بنده همانطور که دولت تصمیم گرفته و تقدیم هم شده خوبست و این اندازه مجازات هم کافی است نسبت بوضعیت فعلی که اصلاً هیچ مجازاتی نیست حالا که دولت مجازات میکند نظامی هائی را که برخلاف حقیقت راپورت میدهند و موجب اتلاف نفوس یا محکومیت عده می شوند آن صاحب منصب باید زحماتی که کشیده است وقتی مجازاتش متساوی باشد باید قناعت کرد بنده عرض دیگری داشتم و آن این بود در صورتیکه مدلل می شود که این راپورتها برخلاف واقع بوده است تکالیف آن محکومین را هم باید معین کنی یعنی باید آنها را هم دیگر مرخص و مستخلص کنند در صورتیکه در لایحه هیچ ذکر نشده (بعضی از نمایندگان - مسلم است معین است) نه آقا معین نیست چرا برای این که چون محکومیت مطابق حکم محکمه معین می شود و وقتی که معین شد که فلانکس راپورت خلاف داده این موجب تبرئه او نمی شود این است که بایستی در قانون تصریح شود که آن اشخاصی که در نتیجه راپورت خلاف واقع محکوم شده اند پس از آنکه مدلل شد که این راپورت برخلاف حقیقت است آنها هم تبرئه شان اعلام شود.

کفیل وزارت عدلیه - عرض کنم گمان میکنم که نظر آقا بقوانین دیگر تأمین شده و این مربوط بقانون اصول محاکمات است این لایحه که بنده تقدیم کردم قانون

محکوم می شود بدون اینکه مجازات او بتواند از مجازات خود محکوم بیشتر گردد مگر اینکه محکومیت غیر باعدام یا حبس مؤبد با اعمال شاقه باشد که در این صورت مجازات مقصر حبس با کار از دو تا پنج سال خواهد بود. ملاحظه فرمائید يك شخصی در نتیجه راپورت غیر عمدی محکوم باعدام شد آنوقت آن شخص راپورت دهنده را میگویند که از دو سال تا پنج سال باید حبس با اعمال شاقه باشد و اگر راپورت او منجر به حبس با اعمال شاقه شده است و شش ماه هم از حبسش گذشته باشد بعد معلوم شود که اشتباه بوده است او را آزاد میکنند یعنی آن شخص محکوم اولی بیش از شش ماه حبس نبوده است و کارهای شاقه هم نکرده است اما این شخصی که راپورت را داده باید از دو سال تا پنج سال حبس با اعمال شاقه باشد یعنی فرع زائد بر اصل باشد بنده تعجب میکنم که آقای کفیل وزارت عدلیه يك لایحه را باین طور آورده در مجلس

رئیس - آقای افسر

افسر - عرض کنم این مأمور باین است که راپورت صحیح بدهد حقایق را بگوید این برای این است که چرا راپورت غلط داده ام از اینکه عمد باشد یا سهو. در راپورت دادن که عمد است منتهی در ضرر او خواهد بود یا نخواهد بود ممکن است عمداً نخواستند است که راپورت بدهد ولی در هر صورت این راپورت خلافی را که داده است آن اثر وضعی را خواهد داشت چون این تخلف از نظامات کرده یعنی باید راپورت صحیح داده باشد و نداده و این قسمت خیلی خوبست. اما اینکه آقای دیبا میفرمایند اگر کسیکه راپورت غیر عمدی داده باشد قصاصش بالاتر از این باشد یعنی محکوم با انفصال ابد از خدمت هم باشد گمان میکنم خیلی تند است از قصاص متعارفی که مبتنی بر عدالت است دور است انفصال ابد آن خیلی تند است و بنظر بنده این جزا کافی است یعنی اگر حقیقت را نگفته و اگر این مقصود نباشد البته نظر آقای دشتی وارد است

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

ماهیت است قانون مجازات است و اگر تطبیق نشود با قوانین دیگری در صورتیکه شاید تطبیق هم بکنند بایستی مطابق قوانین اصول محاکمات عمل کرد این جا مورد ندارد قوانین موجوده فعلی این مطلب را تأمین کرده است

دکتر طاهری - بسیار خوب اگر تأمین کرده است که هیچ رئیس - آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم که مدافعه که آقای مؤید احمدی در لایحه کردند و در جواب بنده فرمایشاتی فرمودند بنده را بهیچوجه قانع نکرد. عرض کنم که ایشان روی آن نکته هائی که بنده موافق بودم اصرار کردند آقایان شنیدند که بنده عرض کردم که این لایحه خیلی خوب لایحه است و البته بهتر این است که غیر نظامی ها هم همینطور باشند و البته همه آقایان و کلاً هم باین لایحه موافقت باین استند لال را در خوبی لایحه کردن بکلی غلط است دیگر برای اینکه وقتی همه موافق هستند و مخالفی هم نباشد چه استدلالی دارد دیگر که می بنده تکرار کنم لایحه خوبست عرض کنم که صحبت در این است که اگر يك شخص از روی غیر عمد يك راپورتی داد و بنظرش رسید فلان قضیه فلان طور است و در نتیجه يك کسی محکوم شد و بعدها يك دلائل دیگری پیدا شد و معلوم شد که اشتباه کرده است یعنی غیر عمد بوده است در این قسمت دیگر چه مجازاتی دارد. بنده از همه آقایان می پرسم که چه مجازاتی دارد؟ این جوری که آقای کفیل وزارت عدلیه توضیح دادند این قیاس مع الفارق است بهیچوجه موافقت نمیکند باینکه شوفر از روی بی احتیاطی در حرکت انوموبیل آدم کشته است. پس اگر آدم کشته است مجازاتش این است که دزشش برتند ولی نمی زنند برای اینکه محکوم بغیر عمد است البته در يك موضوعی که معلوم شد که بکلی غیر عمد بوده است این دیگر مجازات کردن معنی ندارد. نازه مجازاتی را هم که آقای مؤید احمدی فرمودند در جواب این طور نیست و شدیدتر است. بنده می خواهم لایحه یکمتر به بیشتر خوانده نشده است و خاطر آقایان متوجه نشده است در قسمت چهارم اگر اقدام با خودداری از اقدام عمدی نبوده ولی منجر بمحکومیت دیگری گردد مقصر به حبس عادی از هشت روز تا دو سال

رئیس - مخالف دیگری نیست؟ (خیر) آقایانیکه باماده واحده موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. آقای وزیر داخله فرمایشی دارید؟

[۳ - شوردوم لایحه تذکره]

وزیر داخله - تمنی دارم اگر ممکن است لایحه قانون تذکره را مطرح فرمایند.

خبر کمیسیون:

کمیسیون داخله باحضور آقای وزیر داخله در جلسات متعدد پیشنهادهای آقایان نمایندگان محترم را راجع به لایحه قانون تذکره مورد شور و مذاکره قرار داده و در جلسه ۱۱ دیماه ۱۳۱۱ خبر ثنوی لایحه قانون تذکره را شرح ذیل تصویب نموده و اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم مینماید.

فصل اول اطلاعات عمومی

ماده ۱ - تذکره سند است که از طرف مامورین صلاحیت دار برای تعیین تابعیت و اجازه مسافرت اتباع ایران بممالک خارجه و اقامت در ممالک مزبوره یا مسافرت از خارجه بایران داده میشود.

رئیس - ماده اول مطرح است. مخالفی نیست؟ (خیر) آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم

ماده دوم - مامورین سرحدی ایران بهیچیک از اتباع ایران بدون ارائه تذکره قانونی اجازه خروج نخواهد داد

رئیس - اشکالی نیست موافقین باماده دوم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم

ماده سوم - به هیچکس غیر از تبعه مسلم ایران نباید تذکره ایرانی داده شود و صدور تذکره منوط بوجود اسنادی است که هویت و تابعیت ایرانی تقاضاکننده را ثابت نماید

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - بنده عقیده ام این است که این ماده چندان لزومی ندارد البته بدیهی است که به هیچوجه بغیر از تبعه مسلم ایران نباید تذکره داد بنده نمی دانم از چه نظر این ماده را اینجا نوشته اند اینجا می نویسد صدور تذکره منوط به وجود اسنادی است که ارائه بدهد مقصود از این اسناد چیست یعنی هرکس می آید تذکره بگیرد باید يك اسنادی ارائه بدهد و این اسباب زحمت است اگر مقصود همین ورقه هویت است که باید تصریح شود که هرکس میاید تذکره بگیرد ورقه هویت خودش را هم باید ارائه بدهد تا باو تذکره بدهند. اگر هم مقصود اسناد دیگری است خوب است توضیح بدهند زیرا اگر اسناد دیگری باشد ممکن است در خیلی از موارد اسباب زحمت بشود

وزیر داخله - اینکه اینجا نوشتیم به هیچ کس غیر از تبعه مسلم ایرانی نباید تذکره ایرانی داده شود البته همینطوری که فرمودید البته طبعاً همینطور است ولی نظر باینکه کمال اهمیت داده می شود بسندیت تذکره و بعضی اوقات هم دیده شده که بعضی از مامورین يك اندازه در این مورد دقتی را که لازم بوده است نکرده اند و ما باین مورد خیلی اهمیت میدهم باین جهت است که در اینجا باینکه خیلی مطالب وضیحی است لازم دانسته که برای تذکر مامورین بوسیله و اما قسمت دوم که فرمودید منوط بوجود اسنادی است که هویت و تابعیت او را ثابت کند البته تذکره اشخاصی بگیرند برای مسافرت که مقیم در ایران هستند آنها واضح است که اسناد هویت است ورقه هویت است اما ممکن هم هست که در خارجه باشند يك اشخاص ایرانی که هنوز ورقه هویت نگرفته باشند خوب مامور چه جور تشخیص بدهد آنوقت يك اسنادی از آنها میخواهند که پدرش کی بوده است کی از ایران رفته از این قبیل اسناد میخواهند بعد از آنکه ثابت شد آنوقت به آنها تذکره میدهند

رئیس - موافقین باماده سوم قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود

ماده چهارم - هر يك از اتباع ایران برای مسافرت به ممالک خارجه و یا اقامت در خارجه باید تحصیل تذکره نماید

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مفاد ماده اول این است که ایرانی هائی که از خارجه بایران مراجعت میکنند باید دارای تذکره باشند ولی در اینماده اشخاصی را که مجبور بداشتن تذکره هستند فقط اشخاصی که از ایران مسافر خارجه هستند یا مقیم خارجه هستند ذکر کرده خواستم پرسش توضیح داده شود که آیا اشخاصی که از خارجه مراجعت بایران میکنند برطبق مفاد ماده اول و ماده ششم که بعد می آید آیا آنها نباید تذکره داشته باشند اگر باید داشته باشند باید اینجا تصریح شود

وزیر داخله - راجع باشخاصی که در خارجه هستند و میخواهند بیایند بایران آنها لابد از ایران رفته اند و تذکره گرفته اند آنها را ویزا میکنند مامورین اینکه مسلم است بموجب تذکره باید بروند اینکه اینجا نوشته شده مقصود آنهایی است که از ایران می روند آنهایی که از خارجه می آیند تذکره دارند ویزا می شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اینجا بعد ذکر میکند که باشخاصیکه در خارجه مقیم هستند مدت تذکره ها پنجسال است حالا اگر کسی در خارجه بود و مدت تذکره اش تمام شد آنوقت این دیگر ویزا نمی شود (بعضی از نمایندگان - تجدید میکنند) خوب پس باید تجدید شود و با تذکره مراجعت کنند نه با ویزا. ویزا در صورتی است که مدت تذکره باقی باشد وقتی که تذکره مدتش منقضی شد آنوقت ویزا نمی شود چون وقتی که تذکره معتبر نباشد که نمی تواند ویزا کند

مخبر کمیسیون داخله - عرض کنم فرمایشی که می آید محترم فرمودند راجع است بفرض اینکه در خارجه اقامت داشته باشد و در موقعی که میخواهد بایران بیاید

تذکره نداشته باشد چون اصولاً بایستی تمام ایرانیانی که در خارجه هستند دارای تذکره باشند و البته يك ایرانی که در خارجه اقامت دارد حتمی است که باید مطابق قانون تذکره داشته باشد حالا اگر برخلاف قانون تذکره نگرفت خوب آن يك کسی است که خلاف قانون کرده و مطابق شرایطی که در اینجا ملاحظه خواهید فرمود اوليك همچو آدمی که در خارجه اقامت دارند و تذکره گرفته و تذکره خودش را تجدید نکرده است برایش يك مجازاتی معین شده است و آن کسی را که آقا فرضش را میفرماید بر طبق ماده جزائی این قانون مجازات خواهد شد یعنی علاوه بر قیمت تذکره يك مبلغی هم جریمه خواهد داد. پس با فرض اشخاصی را باید بکنیم که مطابق نظامنامه رفتار کرده باشند اگر ایرانی است و میخواهد بخارجه برود باید تذکره بگیرد و اگر ایرانی است که در خارجه اقامت داشته و میخواهد بیاید بایران آنها باید تذکره را که دارد ویزا بکند و بیاید بایران (دکتر طاهری - تذکره نداشته است) عرض کردم يك آدمی است که برخلاف قانون و مقررات رفتار کرده است و مشمول مواد جزائی این قانون خواهد شد.

رئیس - آقایانی که باماده چهارم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود

ماده پنجم - تذکره بر دو قسم است. تذکره عادی و تذکره غیر عادی

رئیس - اشکالی ندارد. (خیر) آقایان موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم

فصل دوم - تذکره عادی

ماده ششم - اقسام تذکره عادی که بطور مطلق تذکره نامیده میشود و نمونه آنها برطبق نظامنامه معین خواهد شد بقرار ذیل است:

۱ - تذکره که برای مسافرت از ایران به ممالک خارجه

یا از خارجه بایران داده میشود مدت اعتبار آن از تاریخ صدور تذکره یکسال و تا چهار سال دیگر سال بسال قابل تمدید است و دارنده آن میتواند در مدت اعتبار تذکره بیش از یکبار مسافرت نماید .

۲ - تذکره سرحدی که سرحد نشینان ایرانی برای عبور و مرور بین نقاط سرحدی ایران و نقاط سرحدی ممالک مجاور اعم از سرحدات خاکی یا آبی مطابق قراردادهای عبور و مرور سرحدی بین ایران و دول مجاور یا بر حسب تصویب دولت داده میشود .

۳ - تذکره ایرانیان بی بضاعت مقیمین خارجه که مدت اعتبار آن با رعایت مقررات فقره اول این ماده پنج سال است .

۴ - تذکره محصلی که به محصلین داده میشود و اعتبار آن تا اتمام دوره تحصیلی دارنده آن خواهد بود مشروط بر اینکه در انقضای هر سال با مضاء مأمور ایران مقیم محل تحصیل یا نزدیکتر محل برسد .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در این قسمت تذکره که برای مسافرت از ایران بممالک خارجه یا از خارجه بایران داده میشود عرض دارم . در اینجا مینویسد که این ممکن است تا چهار سال تمدید شود تا چهار سال دیگر سال بسال قابل تمدید است و دارنده آن میتواند در مدت اعتبار تذکره بیش از یکبار مسافرت کند . این اگر تذکره اش چهار سال قابل تمدید باشد بنده نفهمیدم چطور میشود یکی دیگر راجع به محصلین است . محصلین که البته از اینجا میروند يك تذکره میگیرند و يك پولی هم میدهند و ویزا میشود و بالاخره روی آن جریان خودش می رود اینها سال بسال بایستی با مضاء مأمورین برسد . تذکره ها که قبلاً صادر شده و حالا در دست محصلین است البته مدت ندارد يك تذکره مخصوصی نبوده تذکره عادی بوده که اینها گرفته اند و رفته اند حالا برای اینها چه صورتی ایجاد میشود آیا باید این تذکره عوض شود و اگر عوض میشود بچه صورتی است

امر عادی نبود بعلاوه حالا تذکره را در تحت قانون میاوریم و در تحت تنظیمات مرتبی میاوریم که تکلیف مأمورین کاملاً روشن و معین باشد و اگر يك همچو قضایائی بوده است يك امر اتفاقی بوده است دیگر هم اتفاق نخواهد افتاد و اساساً هم عرض میکنم تذکره را هیچوقت در سرحد نمیگیرند و نگاه نمیدارند مگر اینکه يك عیبی داشته باشد تذکره که در مدت اعتبارش دست صاحبش هست و بعد از آنکه از اعتبارش افتاد و مدتش گذشت دیگر از کسی نمیگیرند زیرا ورقه ایست که اعتبار ندارد اما راجع به ایرانیان بی بضاعت در این لایحه يك پیش بینی همی کافی هست برای ایرانیان بی بضاعت و لایحه را اگر ملاحظه فرموده باشید برای ایرانیان بی بضاعت که مساعدتهائی که نسبت بانها لازم است در این لایحه مخصوصاً مابین بینی کردیم سابقاً در این باب قانونی نبود مأمورین هم نمیتوانستند آنها را معاف کنند و یا با آنها مساعدتهائی بکنند ولی حالا مخصوصاً پیش بینی کردیم که مجانی است یعنی هر کس ایرانی است و در خارجه است بتواند تذکره بگیرد و استفاده کند .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانیکه با ماده ۶ موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود

ماده هفتم - صدور تذکره عادی در داخله با نظمیته و در خارجه با مأمورین قونسولی ایران و یا مأمورین سیاسی عهده دار امور قونسولی میباشد و در محلهائی که نظمیته نباشد صدور تذکره با مأمورینی خواهد بود که دولت بانها اجازه مخصوص بدهد

رئیس - اشکالی نیست (خیر) موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده هشتم قرائت میشود

ماده هشتم - گیرنده تذکره برای مسافرت بممالک

خارجه باید معادل میزان متوسط مخارج معاودت خود و همراهانش را از مقصد مسافرت تا محل صدور تذکره وجه نقد یا تمهیدنامه بانك یا يك تجارخانه معتبر دائر به تادیه مخارج مزبور بدفتر صدور تذکره بطور ودیعه سپرده قبض دریافت نماید که موقع ضرورت بوسیله مأمورین دولت ایران بمصرف مخارج معاودت او برسد چنانچه صاحب ودیعه برای مراجعت محتاج باخذ وجه مزبور نشود یا مسلم گردد که اقامت دائمی در خارجه اختیار کرده یا فوت شده ودیعه در مقابل قبض باو یا بورئه اش مسترد میشود مأمورین دولتی و ایرانیانی که اقامتگاه دائمی آنها ممالک خارجه باشد و محصلینی که ترتیب مسافرت آنها تابع مقررات مخصوص میباشد از سپردن ودیعه معاف خواهند بود

زائرین بیت الله علاوه بر ودیعه مذکور در فوق مبلغ ۵۰ ریال برای تامین مخارج مراقبت های لازمه صحی و غیره که از طرف دولت بعمل می آید بدفتر صدور تذکره باید بپردازند و قبض رسید دریافت دارند

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - در اینجا تصریح شده است که گیرنده تذکره برای مسافرت بخارجه باید وجه نقد یا ضمانت بانك یا يك تجارخانه را داشته باشد بنده عقیده ام این است که این ماده با این ترتیب که هست اولاً اسباب زحمت مردم است در يك موقعی که جنبه مالی گیرنده تذکره مردد باشد البته صحیح است ولی اشخاصی که جنبه مالیشان مردد نباشد و مأمورین صلاحیت دار در جنبه مالی آنها تردید ندارند خودشان ثروت دارند و مخارج ایاب و ذهاب دارند البته نسبت باین مورد چندان لزومی ندارد اگر این قید را نکنیم بعقیده بنده بهتر است و اسباب زحمت مردم هم نخواهد شد

مخبر - قید این ماده از نظر تامین مخارج مراجعت ایرانیان مقیم خارجه است البته تصدیق میفرمائید برای حفظ حیثیات يك مملکتی اشخاصی که میروند بخارجه بایستی وضعیت مالی آنها طوری باشد که بتوانند آبرومندانه



زندگانی کنند کرازا دیده شده است يك اشخاصی با يك سرمایه های قلیلی مسافرت کرده اند بخارجه و در آنجا سرمایه شان تمام شده است و با يك وضع بدی زندگانی کرده اند این است که دولت مجبور شده است که این قید را در قانون بکند و اما اینکه میفرمائید در قانون ذکر کنیم که هر کدام که استطاعت مالی داشته باشند که محل تردید نباشد بنده نمیدانم تشخیص اینکه يك اشخاصی دارائی داشتن آنها تردید نداشته باشد چطور ممکن است که این را بگیریم و بدهیم بدست مامورین که با هر کس که نظر خوبی داشته باشند او را صاحب ثروت تشخیص بدهند و با يك اشخاصی که نظر خوشی ندارند بگویند خیر آقا دارا بودن شما محل تردید است و نمیشود بررید بلکه بنده عقیده ام این است که این قید بسیار خوبست و هیچ ضرری نخواهد داشت و آقا هم موافقت فرمائید که ما اختیار را بدست اشخاصی ندهیم که هر روز اسباب زحمت مردم بشوند

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - در این قسمت آقای مخبر محترم فرمودند که از نقطه نظر این است که اشخاصی که میروند بخارجه و مخارج معادلت ندارند از این جهت است البته این است ولی بنده تصور میکنم که این قسمت را آقایان باید در نظر بگیرند و آن این است که اشخاصی که میروند بخارجه همه که بیاریس و لندن میروند که بوسیله بانک آن پول بهشان برسد بلکه بشهر های کوچک و دهات های کوچک که وسائل در آنجا ها نیست و خیلی مشکل است تهیه وسائل این شخص چه باید بکند که پولش را بگیرد و بعد مسافرت با بران کند و برگردد و در این يك قید بی جهتی است و بعقیده بنده ضررش بیش از منفعتش است از طرفی هم عقیده ام این است که ماده ۹ جای اینست که نوشته شود اشخاصی که طرف سوء ظن واقع شوند نمیتوانند معادلت کنند مگر با دادن يك ضامن این بهتر خواهد بود والا اگر بخواهید این مطلب را عمومیت بدهید این چیز غریبی میشود و يك مشکلاتی بر میخورد که هیچ مسافری رغبت نمیکند که اقدام به آمدن مملکتش کنند

بایستی بالاخره برگردد بجای خودش و این پول را پس بگیرد و این يك کار غلطی است.

مخبر - باید در نظر گرفت يك قانونی که تصویب میشود منافعت زیادتر از مضارش باشد اگر در نظر آقا باشد که يك قانونی که تصویب میشود هیچ ضرر و نقصی در او نباشد این ممکن نیست این ماده هم البته بنده هم تصدیق میکنم که يك قید سختی است ولی باید دید که این سختی و تضییق برای چیست و نتیجه که از این تضییق گرفته میشود چیست عرض کردم این قید برای این است که اشخاصی که مسافرت میکنند باید وضعیت مالیشان طوری باشد و ضروری زندگانی کنند که برای مملکت موهن نباشد اما قسمتی را که فرمودند که مقتضی است در ماده ۹ قید شود در اشخاصی که وضعیت مالیشان مردد است از آنها ضامن گرفته شود نظر آقا هم بر میگردد بهمان نظری که بنایند محترم آقای دبا فرمودند و البته تصدیق میفرمائید که اگر این قید را بخواهیم نکنیم وسایل عدیده هست که هر کس میتواند خودش را متمکن قلمداد کند بنابراین چون مسئله خیلی اهمیت دارد ما باید این اصل را در نظر داشته باشیم که ایرانیانی که مسافرت بخارجه میکنند خیلی بایستی زندگانیشان آبرو مندانه باشد و اگر يك تضییقاتی هم بعضی میشود برای حیثیات مملکت است و از نقطه نظر عمرانی که این ماده دارد از این قسمت تضییق هم صرف نظر فرمائید و اگر چنانچه آقا موافقت فرمائید که بعد از تجارتخانه معتبر نوشته شود یا ضامن معتبر ممکن است موافقت کرد و نظر آقا هم تأمین میشود.

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - بنده موافقم

رئیس - آقای طهرانچی پیشنهاد کرده اند قسمت اول ماده ۸ حذف شود.

طهرانچی - بیاناتی که آقای مخبر محترم فرمودند بنده را قانع نکرد زیرا بنده ایراد این بود که اگر بنده رقوم بخارجه در يك نقطه که وسیله نبود بانک نبود بجه طریق

حالی که او قصد اقامت دائمی در خارجه دارد چطور باو داده می شود این است که بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود و یا قایم مقام او و در صورت فوتش پورته اش داده شود

مخبر - اشکالی که نماینده محترم فرمودند با این تمیزی که فرمودند در قسمت ورته هم همین شکل وارد است ولی قانون همیشه وکیل را در حکم وکیل می داند و این همه قوانین که ما داریم ملاحظه می فرمائید در همه جا خود مدعی و مدعی علیه را نوشته اند در صورتی که جریان محاکمه هیچوقت بامدعی و مدعی علیه نمی شود و همیشه وکیل و قائم مقام در حکم اوست قید این مطلب را بنده تصدیق میکنم که صحیح است و منظور هم همین است که اگر کسی اقامت دائمی در ممالک خارجه اختیار کرد او خودش نیست که برود بدهد البته نماینده او و قایم مقام او خواهد بود و با هر کس که وکیل او باشد و از طرف او باشد و همینطور از طرف کسی که فوت کرده و ورثه اش و این بدیهی است و ما از نظر قانون در این جا قید نکردیم و تصور میکنم که محتاج هم نباشد و اگر بخواهیم این قید را در اینجا بکنیم خیلی از موارد هست که در آنجاها هم باید این قید را بکنیم در صورتی که لازم نیست و نظر دولت هم کاملاً تأمین میکند فکر آقا را که اگر خود شخص یا ورثه اش نباشد قایم مقام او می تواند آن محل را بگیرد و آن کار را بکند

مؤید احمدی - با توضیحی که آقای مخبر کمیسیون دادند نظر

بنده تأمین شد بنابراین استرداد میکنم

پیشنهاد آقای طباطبائی دبا:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی. بعد از جمله بممالک خارجه نوشته شود در صورتیکه مامورین صلاحیت دار لازم بدانند.

طباطبائی دبا - بنده برخلاف عقیده آقای طهرانچی

با این ماده موافقم این ماده طوری تنظیم شده است که خیلی نافع است ولی آقای احتشام زاده مخبر محترم آن عرض بنده را سوء تعبیر فرمودند بنده عرض نکردم در قانون قید شود اشخاصی که جنبه مالیشان مردد است

این پول را بمن بخواهید رسانید که معاودت کنیم این را بمن بفرمائید این در عمل اسباب اشکال خواهد شد مگر اینکه بنده از آنجا بیایم یکی از شهر های معظم و از آنجا تلگراف کنیم و مقداری معطل شوم و مقدار زیادی خرج کنیم تا وقتی که پول خودم را بگیرم و اساساً نمی شود این را اسمش را قانون گذاشت.

وزیر داخله - آقا میخواهند که با يك فرض خیلی بعیدی يك اصل خیلی لازمی را از بین ببرند اینکه ما میگوییم يك کسیکه مسافرت میکند بخارجه البته مسافرتش بجائی است که همه چیز دسترس داشته باشد و اگر ما فکر کنیم که يك کسی مسافرت کند بخارجه و بکجائی باشد که دسترس نه بضامن و نه بیانک و نه بمامور دولت داشته باشد این را تصدیق فرمائید يك خیالی است ضعیف و بعید الاحتمال است در مقابل ما يك اصلی را در نظر داریم که ایرانیانی که میروند بخارجه يك طرز آبرومندی داشته باشند اگر کار دارند که البته وسائلس را هم دارند و اگر يك اشخاصی هستند که کاری ندارند و آن بضاعت و استطاعت را هم ندارند حالا این خیال ضعیفی است که آقا میفرمائید و بنده بشما اطمینان میدهم که مورد تکرانی پیش نخواهد آمد.

رئیس - آقایانیکه با پیشنهاد آقای طهرانچی موافقت قیام فرمایند.

(چند نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای مؤید احمدی قرائت میشود.

پیشنهاد دیگر در ماده اول فصل هفتم نوشته شود یا قائم مقام او.

مؤید احمدی - عرض می کنیم که آقایان دوائر ما و مامورین و ادارات را در نظر بگیرند که در پرداخت پول چه اشکالاتی میکنند اینجا صرفاً نوشته شده است یا مسلم گردد که اقامت دائمی در خارجه اختیار کرده و دیده در مقابل قبض باو داده می شود در

بلکه عرض کردم مامورین صلاحیت دار اگر لازم دانستند وجه نقد بگیرند و اگر ندانستند نگیرند البته مامورین دولت هم محل اعتماد دولت است و هم محل اعتماد مجلس آن مامورین صلاحیت دار يك اشخاصی را که می بینند بی بضاعت هستند و مردم هستند البته به آنها تذکره نخواهند داد و چنانچه ممکن است آقای وزیر داخله این را قبول کنند و الاسترود میدارم

مخبر - چنانچه عرض کردم اگر چنانچه ما بخواهیم این پیشنهاد آقا را قبول کنیم اسباب اشکال فراهم خواهد شد زیرا هیچ ممکن نیست که بتواند تشخیص بدهند که يك آدمی دارائش محل تردید است یا نه و این اسباب اشکال است این است که از آقا خواهش میکنم مسترد بدارند

طباطبائی دیبا - بنده مسترد میدارم

رئیس - تبصره ایست که از طرف دو نفر از آقایان رسیده است قرائت می شود:

مقام منبع ریاست محترم دامت شوکتہ پیشنهاد میکنیم تبصره ذیل بماده هشتم اضافه شود - اشخاصی که برای تجارت یا برای معالجه بخارجه مسافرت می کنند از سپردن ودیعه یادادن ضامن معاف بشد. حسین طهرانی حسین افشار

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم بنده نظرم از این پیشنهاد این بود که در مسئله تجارت همه آقایان نظر دارند که بایستی تسهیل کرد و هر قدر ممکن است اسباب سهولت فراهم کرد که اگر کسی حقیقتاً برای تجارت میخواهد مسافرت کند راه برایش باز باشد تا بتواند بمقصدش نائل شود و این چه زحمتی است خوب اگر يك کسی حقیقتاً بخواهد بعنوان تجارت بخارجه سفر کند نمایانکه بهانه کند چنانچه بعضی ها میکنند يك کسی که واقعاً بخواهد بعنوان تجارت بخارجه برود ما چرا این را يك همچو قیدی برایش بگذاریم که در موقع گرفتن تذکره ودیعه بگذارد یا ضامن بدهد و این يك زحمتی است که ما برای تاجر فراهم میکنیم مسئله دوم راجع بمریض است ممکن است يك کسی مریض باشد و به

رئیس - تصویب شد. ماده نهم. ماده نهم - باشخاص ذیل تذکره برای مسافرت از ایران داده نمیشود.

الف - اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند یا تحت ولایت یا قیمومت میباشد مگر با اجازه کتبی ولی یا قیم **ب -** کسانی که بموجب امر کتبی مقامات قضائی حق خروج از مملکت ندارند.

ج - مشمولین نظام وظیفه مگر اینکه از طرف اداره نظام وظیفه مجاز در مسافرت باشند

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده باین ماده موافقم ولی میخواستم يك تذکره بدهم در باب سن بلوغ راجع بسن بلوغ در قوانین ما مختلف است در بعضی قوانین ۲۱ سال است در بعضی ۲۰ سال اینچاهم هیجده سال خوبست که دولت يك تصمیم صحیحی راجع بسن بلوغ اشخاص بگیرد که در تمام قوانین این قسمت يك میزان معینسی داشته باشد و باین اختلاف معنی ندارد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - آقای دیبا در کمیسیون عدلیه تشریف دارند و میدانند که اخیراً آقای وزیر عدلیه برای بلوغ لایحه پیشنهاد کردند که شور اولش هم تمام شده (دیبا - اورشد است) بله همین است فرق نمیکند وقتیکه تصویب فرمودید تمام قوانین از روی همین خواهد شد و آن هم هیجده سال است.

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - عرض میکنم این قسمت ماده ۹ صریح نیست بنده نمیفهم مقصود از اینکه نوشته شده است بموجب امر کتبی مقامات قضائی این را کمیسیون چه تعبیر کرده است مقامات قضائی آیا قاضی محکمه میشود یا بموجب حکم محکمه البته اگر طبق حکم محکمه است بنده موافقم والا بصرف امر کتبی مقامات قضائی بنده مخالفم و عقیده ام این است که حذف شود.

مخبر - اشخاصی بموجب امر کتبی مقامات قضائی ممنوع هستند مقصود اشخاصی هستند که از طرف مستنطقین تحت تعقیب قرار گرفته اند و التزام داده اند و مکلف هستند که تا خاتمه امر از حوزه قضائی مستنطق خارج نشوند - این اشخاص ممنوع هستند از اینکه از آن حوزه خارج شوند و بطریق اولی از مملکت هم نمیتوانند خارج شوند و تذکره بانها نمیدهند یا ممکن است بموجب حکم محکمه باشد این است که عبارت طوری نوشته شده که هم شامل محکمه باشد هم شامل مستنطقین اخیراً هم بموجب قانون اختیاراتی بوکلای عمومی و مدعیان عمومی داده شده است که آنها هم قائم مقام مستنطق میشوند و ممکن است حکم بدهند این است که عبارت طوری نوشته شده است که جامع باشد که همه مقاماتی را که صلاحیت دارند شامل باشد

رئیس - آقایانیکه با ماده نهم موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود

ماده دهم - ترتیب صدور تذکره جمعی اعضاء و اجزاء کشتیها برطبق نظامنامه معین میشود. **رئیس -** اشکالی نیست (خیر) موافقین با ماده دهم قیام فرمایند.

(ا اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده یازدهم - برای يك خانواده (زن و شوهر و بابهريك از آنها) با اولاد کمتر از ۱۸ سال میتوان يك تذکره صادر نمود و معادل قیمت يك تذکره دریافت داشت صدور تذکره علیحده برای زوجه به تنهایی یا با اولاد کمتر از ۱۸ سال منوط با اجازه زوج خواهد بود.

رئیس - موافقین با ماده یازدهم قیام فرمایند

(ا اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده دوازدهم - بایرانیانی که در خارجه مقیم و مشمول نظام وظیفه میباشدند برای توقف یا مسافرت در خارجه

تذکره وزیرا داده نخواهد شد و مأمورین ایران باید بانها شهادت نامه مجانی فقط برای مراجعت بایران بدهند مگر اینکه ورقه معافیت از خدمت نظام داشته باشند همچنین مأمورین ایران در خارجه در مواردی که وزارت امور خارجه اجازه بدهد برای معاودت اتباع دولت شاهنشاهی به ایران شهادت نامه مجانی صادر خواهند نمود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - قسمت اول ماده واضح است لیکن از همچنین مأمورین ایران در خارجه در مواردیکه وزارت امور خارجه اجازه بدهد بنده ملتفت نشدم که مقصود چیست خوبست مخبر با آقای وزیر داخله یک توضیحی بدهند ماده ۱۲ میگوید اگر مشمول نظام وظیفه باشد ایرانیان مقیم خارجه تذکره و ویزا بانها داده نمیشود و فقط شهادت نامه می دهند مأمورین ایران که برگردند بایران همچنین مأمورین ایران در خارجه در مواردیکه وزارت امور خارجه اجازه بدهد برای معاودت اتباع دولت شاهنشاهی مجانی صادر خواهند نمود اصلا معنی ندارد این عبارت اخیر و ابتدا با قسمت اول ارتباطی ندارد

وزیر داخله - مقصود این است که آن تذکره وقتی در دست باشد بهمه جا شخص میتواند مسافرت کند ولی شهادت نامه مخصوص مسافرت از يك نقطه بنقطه مخصوص است خود شهادت نامه درش مطلب نوشته میشود و این در دست يك کسی است که از يك جای بخصوص بيك نقطه و يك مقصد معینی مسافرت میکند ولی در تذکره بطور عموم است تذکره وقتی بموجب این قانون در دست هر کس باشد بطور عموم است و همه جا میتواند برود پس يك ورقه مخصوص است برای روانه کردن يك کسی از نقطه بنقطه معینی و همچنین در هر مورد دیگری که صلاح باشد نظیر این مورد مأمورین وزارت امور خارجه میتوانند شهادت نامه بدهند

دکتر طاهری - پس باید کلمه دیگر نوشته شود و الا این تناسب ندارد با قسمت اول بنویسند در موارد دیگر که الی آخر

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۲ موافقت دارند قیام فرمایند. (اغلب بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳ قرائت میشود. ماده ۱۳ - ایرانیانی که بممالک خارجه مسافرت یا بایران مراجعت میکنند باستثناء اشخاصی که در نقاط سرحدی اقامت دارند و در نقاط مزبور عبور و مرور میکنند باید بر طبق نظامنامه تذکره خود را لدی الورد با در موقع مراجعت بویزای نماینده ایران برسانند.

رئیس - موافقین با ماده ۱۳ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۴ قرائت میشود. ماده ۱۴ - ویزای تذکره ها و اوراق اتباع خارجه که قصد مسافرت بایران را دارند تابع مقررات قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۹ اردی بهشت ۱۳۱۰ می باشد و قیمت ویزای هر يك بر طبق معامله متقابل دریافت می شود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۴.

دشمنی - بنده اجازه خواستم.

رئیس - بفرمائید.

رئیس - بنده میخواستم از آقای وزیر داخله سؤال کنم که آیا ممکن است بجای کلمه ویزا کلمه دیگری بنویسند که کلمه خارجه باشد این بنظر بنده خیلی معیوب است خوب است بجای این يك کلمه بازدید یا امضا یا يك همچو چیزی بگذارند

وزیر داخله - عرض کنم که کلمه ویزا يك کلمه بین المللی است و این نوع کلمات در تمام زبانها هست حتی در زبانهایی که خیلی هم غنی و کامل است از این قبیل اصطلاحات دارند مخصوصاً زبان فرانسه که زبان بین المللی است باین موردش حالا نیست ممکن است يك اصطلاحاتی را بعد درش مطالعه کرد و يك عبارت سلیس و فارسی که معنی به بخشد تعیین کرد و نوشت ولی حالا خواهش می کنم موافقت بفرمائید (صحیح است)

تذکره دارد و مأمورین ایران هم آن را برسمیت نمی شناسند باین شخص چطور اجازه ورود میدهند؟

وزیر داخله - عرض کنم که راجع بيك مورد ويك ممالکی است که مأمورین ما اگر دلیلی نداشته باشند بموجب قانون عبور و مرور بایران آن واردین را که از اهل آن ممالک خارجه هستند راه میدهند ولی تذکره مرتبی آنها در دست ندارند باین جهت برسم قانون عبور و مرور به آنها اجازه ورود میدهند بدون مراسم ویزا.

رئیس - آقای طهرانچی.

طهرانچی - عرضی ندارم.

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۵ موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. چند نفر از آقایان به بنده یاد داشت داده اند که چند دقیقه تنفس داده شود اشکالی ندارد؟ (عده از آقایان - صحیح است) چند نفر از آقایان - چرا؟

رئیس - تنفس طرف رغبت اکثریت بوده (صحیح است) ما باندازه يك ربع تنفس میدهیم بعد می آئیم و کار میکنیم (صحیح است)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از ۲۰ دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ۱۶ قرائت میشود.

فصل پنجم - تذکره غیر عادی - تذکره سیاسی - تذکره مخصوص

ماده ۱۶ - مدت اعتبار تذکره سیاسی تاخاتمه مأموریت درنده آن خواهد بود و برای مأموریت جدید قابل تمدید است صدور تذکره سیاسی فقط با وزارت امور خارجه و مأمورین سیاسی ایران مقیمین خارجه می باشد

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم توضیح داده شود که این سه رقم تذکره که اینجا اسم برده شده است امتیازش چیست است؟

رئیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم که آقای وزیر داخله يك وقتی نوید دادند که سعی کنند که در لوایح که میاورند الفاظ خارجی باشد و همیشه الفاظ ایرانی باشد ما هم بنوبه خودمان از ایشان تشکر کردیم. و این اعتراض آقای دشمنی خیلی وارد است زیرا که ما کلمات بین المللی خیلی زیاد داریم ولی الزام نداریم که از زبان خودمان حرف نزنیم میل دارند بنویسند بازید و در بین الهالین (ویزا) بنویسند و لازم نیست که کلمات اجنبی در ضمن قانون بجامعه تحمیل شود

وزیر داخله - در لوایح ما اتفاقاً الفاظ خارجی کم پیدا می شود (صحیح است) و یکدفعه هم مذاکره شد البته بنده هم کمال موافقت را ندارم ولی تصدیق می فرمائید که این اصطلاحات باید ب فکر و مطالعه حل شود نه اینکه در حین گذشتن يك ماده اینجا ما متذکر شویم این شاید بمورد نباشد البته شاید بعد بتوانیم الفاظ بهتری پیدا کنیم اما حالا خوب است همینطور موافقت بفرمائید بگذرد بعد بموقع خودش تفسیر میدهیم (صحیح است)

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۴ موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۵ قرائت میشود. ماده ۱۵ - هرگاه مأمورین ایران در خارجه تذکره و شهادت نامه را که در دست بعضی از تقاضا کنندگان ویزا میباشند برسمیت نشناسند در صورتیکه برای ورود آنها بایران ممنوعیتی نباشد شهادت نامه مخصوصی برای مدت معین مطابق نمونه که در نظامنامه تعیین خواهد شد به آنها خواهند داد.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا - در این ماده مینویسند که اگر مأمورین ایران در خارجه تذکره و شهادت نامه که در دست تقاضی کنندگان ویزا می باشد برسمیت نشناسند بنده میخواهم آقای وزیر داخله يك توضیحی بدهند که اگر کسی يك

وزیر داخله - در قانون تعریف میکند از این تذکرها میگوید که هر نوع تذکره چه موردی دارد و چه اشخاصی داده می شود میگوید تذکره سیاسی و مخصوص و غیرعادی تذکره عادی را که گفتیم حالا در فصل پنجم تذکره غیرعادی و تذکرها فوق العاده و آن تقسیم می شود بدو نوع یکی تذکره سیاسی است یکی تذکره عادی است آنهم همین است مواردش که بچه اشخاصی داده می شود.

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۶ موافقت دارند قیام فرمایند

(غلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۷ قرائت میشود.

ماده ۱۷ - طبقات ذیل تذکره سیاسی داده می شود:

- ۱ - اعضاء بلافضل خانواده - اطاعت اعم از ذکور و اناث
- ۲ - وزیر دربار پهلوی و خانواده او
- ۳ - مأمورین سیاسی و ژنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولهای رسمی و خانواده آنها
- ۴ - وزراء و رؤساء مجلسین و خانواده آنها
- ۵ - اشخاصیکه از طرف دولت نزد دولت دیگر یا مؤسسه رسمی بین المللی بماموریت مخصوصی اعزام می شوند

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای بوشهری

بوشهری - خواستم سؤال کنم مقصود از خانواده چیست توضیح بدهند

طباطبائی دیبا - در ماده ۱۱ توضیح داده است

وزیر داخله - خانواده که عرفاً معین است عبارت است از زن و اولاد و البته اقربای بلافضل نزدیک هم که همراه باشند جزو خانواده محسوب می شوند ما نمی توانیم تمام این ها را این جا بشماریم این يك قاعده دارد که عملاً معلوم است و عرفاً هم معلوم است بعلاوه در ماده ۱۱ هم ذکری از خانواده شده است (بوشهری - آن راجع به تذکره جمعی است) بلی مقصود تعریف

نبوده است آن جا ولی خانواده همین است که عرض کردم زن است و اولاد و مادر و خواهر اگر همراه باشد اینها خانواده است

رئیس - آقای مؤیداحمدی

مؤیداحمدی - بنده هم توضیح میخواستم در قسمت فقره دوم و سوم و چهارم که غرض آن اشخاص است در حین انتصابشان یا اگر از آن شغل هم برداشته شدند این تذکره به آنها داده می شود؟

وزیر داخله - خیر این سمت است

رئیس - آقای عراقی

عراقی - در اینجا تذکره را سه جور نوشته است در صورتی که مطابق توضیحی که آقای وزیر داخله دادند تذکره واقفاً دو جور است یکی تذکره عادی و یکی هم تذکره سیاسی در این جا سه جور قسمت کرده اند تذکره غیرعادی - تذکره سیاسی - تذکره مخصوص این تذکره مخصوص مطابق آنچه که بعد در ماده ۱۹ میخورد برای اشخاص قائل شده اند مثل و کلا و وزرائی که فعلاً وزیر نیستند و این جور اشخاص بنده خواستم اول این جا عرض کنم که این تذکره مخصوصی مثل این است که ما وضع مخصوصی کرده ایم در این جا يك لغتی را که آقای روحی آورد می کرد که این لغت اجنبی است بعد آقای وزیر داخله فرمودند (آن بین المللی است و هنوز ما وضع لغت نکرده ایم) ولی این جا وضع لغت شده است در هیچ جا تصور نمیکنم که این تذکره مخصوص سابقه داشته باشد. تذکره عادی و تذکره سیاسی. تذکره عادی همین است که شماره شده و تذکره سیاسی همان است که شماره شده بعد آمده اند این جا کمیسیون و آقای وزیر داخله يك تذکره مخصوص هم قائل شده اند که مزایای تذکره سیاسی را ندارد قطعاً برای اینکه اگر میداشت عنوانش می شد سیاسی و مثل تذکره عادی است فقط تفاوتی که دارد بنظر بنده این است که آن کسانی که بعنوان تذکره مخصوص بهشان تذکره میدهند شاید در سرحد بعد از اینکه تمام کارهایشان تمام شد آزان يك سلامی هم بهش بدهد و رد شود والا چیزی نیست که ما بتوانیم يك موضوع را برایش پیدا کنیم تذکره مخصوص

چه مزیتی دارد؟ پس این موضوعی ندارد که ما بیایم تذکره را به سه قسمت تقسیم نمایم و آنهم يك عنوانی که حقیقتاً خیلی خنده آمیز است تذکره یا عادی است یا سیاسی است این را اگر بعنوان تذکره عادی میدانیم معتبر بود این است که حالا بنده پیشنهاد هم تقدیم مقام ریاست میکنم که این تذکره مخصوص را لغتش را برداریم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - در این ماده همکار محترم بنده مخالفتی نکردند اشکالشان راجع بعنوان تذکره مخصوص بود که در ماده دیگر است نسبت باین ماده اگر مخالفتی هست بنده موافقم

رئیس - آقای نواب

نواب - فقط بنده خواستم بفهمم اینکه در اینجا نوشته است وزیر دربار پهلوی و خانواده او بعتبده بنده در قانون اساسی ما که همچو شغل مخصوصی نیست نمی شود نوشت شخص اول دربار؟ برای اینکه همچو سنتی در قانون اساسی ما نیست (نوابندگان - منعی ندارد)

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده در این ماده عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - این تذکر را این جا آقای نواب به بنده دادند ولی بنده مجال نگردم که توضیحی بدهم بنظر بنده این اشکال وارد نیست زیرا وجود وزیر دربار و دربار از لوازم لاینفک وجود شاه است (صحیح است) بنا بر این نظر اینکه در بودجه های مصوب هم وجود این مؤسسه تصدیق شده است و اعتبارش هم تصویب شده است بنا بر این رسمیتش هم محل تأمل نیست

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی در این خصوص قرائت میشود

پیشنهاد آقای دشتی:

بنده پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بماده ۱۷ اضافه شود: نمایندگان مجلس شورای ملی در دوره نمایندگی و رئیس دیوان نیز (صحیح است - صحیح است)

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم که علت پیشنهاد بنده خیلی واضح است و در اطرافش توضیحات زیادی ندارم این جا باشخصی که تذکره سیاسی میدهند یعنی اشخاصی که لایق داشتن تذکره سیاسی هستند ذکر کرده است بنظر بنده کمیسیون و وزارت داخله فراموش کرده اند که نمایندگان مجلس شورای ملی را بنویسند در صورتی که بنده تصور میکنم که نمایندگان مجلس شورای ملی اگر چنانچه در حدود سفرها و وزراء نیستند در حدود قونسول و ویس قونسول اقلاً هستند این است توهینی است که از طرف وزارت داخله به نمایندگان مجلس شورای ملی شده است عرض کنم که بنا بر این بنده پیشنهاد کرده که نمایندگان مجلس شورای ملی هم دارای این مزیت باشند و همچنین رئیس دیوان نیز که در حقیقت رئیس قوه قضائیه است (طباطبائی دیبا - و مدعی العموم دیوان نیز) این را هم عرض کنم که این پیشنهاد را هم بنده با موافقت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی کرده ام از آقای وزیر داخله هم خواهش میکنم که این پیشنهاد را بپذیرد برای اینکه این لایحه برنگردد بکمیسیون برای اینکه بنده تصور میکنم که اکثریت رفقای بنده با این پیشنهاد موافقت (صحیح است)

وزیر داخله - آقای دشتی مطابق با یکجور بی عنوان فرمودند که یکجوری می توانم عرض کنم از فکر ما دور بود برای اینکه تعیین تکلیف نسبت به تذکره هیچ مربوط به حیثیات و احترامات نیست (دشتی - چرا نیست؟)

موضوع دیگری درد البته بی عنوانی دارد اینکه بکنامه طبقه تذکره سیاسی داده می شود و بکنامه طبقه تذکره سیاسی داده نمی شود خیلی از طبقات هستند که اسم برده نشده است این دلیل این می شود که نظر توهینی باشد پس این نظرشان را بنده تردید میکنم آمدیم در اصل موضوع. اصل موضوع این است که تذکره سیاسی يك طبقات و اشخاصی داده می شود که مورد ابتلای آنها باید عموماً باشد و آنها اشخاصی هستند که عموماً از نقطه نظر موقعیت شغل و سمتشان لازم داشته باشند چنانچه در خارجه هم در صورتیکه تذکره سیاسی دست آن

اشخاص معینی که سمت آنها این سند را ایجاد نکند اگر باشد ممکن است که هیچ مورد توجه واقع نشود و هیچ ترتیب نوری به آن داده نشود باین جهت است که آن اشخاصی که می‌توانند تذکره سیاسی دارا باشند فقط آنها را ذکر کرده‌اند و دیگران که ذکر نشده‌اند آنها را هستند که برایشان لازم نیست از نقطه نظر سمت و شغل و وضعیت رسمیشان لزوم ندارد نه اینکه هیچ نظر دیگری در تنظیم این ماده نبوده است و چنانچه ملاحظه می‌فرمائید خیلی از طبقات مستخدمین و حتی معاونین وزارتخانه‌ها هستند که در جزء آن طبقه تذکره سیاسی ذکر نشده‌اند و در این مطلب ساده هیچ بنده تصور نمیکنم که جور دیگری فرض شود یا عنوان دیگری فرض شود فقط از نقطه نظر اصول است در این موقع هم یک توضیحی در مقابل بیانات آقای عراقی عرضی کنم که فرمودند چرا تذکره مخصوص قید شده است و مقصود از این تذکره سیاسی که یک شخصی غیر از سفراء و آن مقاماتی که لازم دارند داده شود چیست غیر از آن عنوان احترامی است که درباره آنها باید ملحوظ شود دولت هم در نظر گرفت که برای اشخاصی که از این طبقات که تذکره غیر عادی لازم دارند و باید بهشان یک تذکره خاصی داده شود و تحت عنوان سیاسی نمی‌شود به آنها داد بطور عمده یک تذکره مخصوص قائل بشود در بعضی جاها هم هست برای عنوان حیثیت و احترام آنها و آن تذکره هم قیمت ندارد و آن هم دلیل احترام و اهمیت تذکره است و الا از حیث ارزش در خارجه چه تذکره سیاسی و چه این تذکره اگر در دست اشخاصی باشد که وضعیت و سمت آنها ملازمه نداشته باشد با آن تذکره یکسان است باین جهت بنده تصور میکنم که این قضیه هیچ مورد اشکال نیست و اگر توضیح دیگری هم لازم است برای آقایان عرض کنم برای اینکه آقایان بدانند که فقط از نقطه نظر تنظیم و حفظ اصول است که این طور طبقه بندی شده است

دشمنی - بسته بنظر مجلس است

روحی - اجازه می‌فرمائید سایر پیشنهادات هم قرائت شود؟

رئیس - حالا رای میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای دشتی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد های دیگر هم طبعاً بکمسیون ارجاع می‌شود یکی هم پیشنهاد جناب عالی است. قرائت می‌کنیم که مجلس هم آگاه باشد پیشنهاد آقای روحی:

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم:

تبصره - بوکلای مجلس شورای ملی و خانواده آنها پس از تصویب و پیشنهاد هیئت رؤسای مجلس شورای ملی تذکره سیاسی داده می‌شود پیشنهاد آقای دشتی:

بنده پیشنهاد میکنم در فقره چهارم بجای روساء مجلسین نوشته شود رئیس مجلس پیشنهاد آقای افسر:

به نمایندگان مجلس شورای ملی می‌تواند تذکره سیاسی بدهند

رئیس - باین پیشنهادات دیگر ارجاع میشود بکمسیون [۴- شورئانی و تصویب لایحه اوزان و مقیاسها]

رئیس - آقای رئیس تجارت مدتها است بانتظار تصویب لایحه اوزان و مقادیر امرار وقت میکنند. ماده اول این قانون سابقاً متشنج بود ولی ایشان بما اطلاع دادند که در ماده اول که موضوع نظر آقایان بوده است طرز فکر دیگری دارند که در موقع خودش بعرض مجلس خواهد رسید (صحیح است) ماده اول قرائت میشود: ماده اول - اوزان و مقیاس های رسمی ایران بقرار ذیل است:

واحد مقیاس - من = سه کیلو

اجزاء

سنگ = یک دهم من (۳۰۰ گرم)

پار سنگ = یک صدم من (۳۰ گرم)

درم = یک هزارم من (۳ گرم)

گرم

دسی گرم

سانتی گرم
میلی گرم
قیراط = ۲ دسی گرم

اضعاف: خروار = صد من (۳۰۰ کیلو)

مقیاس حجم

واحد مقیاس - متر مکعب

اجزاء

دسی متر مکعب

سانتی متر مکعب

میلی متر مکعب

واحد مقیاس حجم برای مایعات

لیتر = یک دسی متر مکعب

تبصره - دولت میتواند لایحه اقتضای براساس مقیاسهای فوق وزنه های دیگری تهیه نموده و در دست رس عموم بگذارد.

مقیاس طول

واحد مقیاس - متر

اجزاء

دسی متر = یک دهم متر کیلومتر = هزار متر

سانتی متر = یکصدم متر فرسنگ = شش کیلومتر

میلی متر = یکهزارم متر

مقیاس سطح

واحد مقیاس - متر مربع

اجزاء

دسی متر مربع = یکهزارم متر مربع

سانتی متر مربع = یکمتر = ده جریب

میلی متر مربع

رئیس - آقای افسر

افسر - البته یک نواخت شدن و یک ترتیب شدن

مقیاس ها از چیزها خیلی لازم است. و قبل از اینکه ماها این فکر را بکنیم چنانچه ملاحظه می‌فرمائید غازان خان در شصت سال پیش موفق شد که من تبریز را ایجاد کند و من تبریز یکی از آثار اوست و یکی از مشکلاتی هم که

برخورده‌اند توحید اوزان بود که موفق نشدند و ناکنون اوزان مختلف در مملکت مثلاً در خراسان بیشتر است ۷۶ نوع من هست وزن هست که شماره آن بیشتر باعث طول کلام میشود اگر عرض کنم تقریباً دوست و پنجاه جور در تمام مملکت هست تصدیق بفرمائید ما در دوره پنجم زحمتی کشیدیم بر حسب پیشنهاد دولت و کمیسیون کردیم شش ماه تمام کمیسیون داشتیم بالاخره مطابق اصول متری قبول کردیم و یک قانون هم برای آن گذراندیم و قانونش را هم هی اعلام کردند که امروز اجرا میشود و فردا اجرا میشود و چند سال طول کشید و اوزان را درست نکردند بعد قانونی اخیراً پیشنهاد شد و در اطراف آن خیلی صحبت شد که اگر بنا باشد غیر از اصول متری باشد جز از اینکه باصل مقصود لطمه بزنند هیچ نتیجه ندارد این است که بنده این پیشنهاد را در نظر گرفتم و با آقایان هم مشورت کرده و بجای ماده اول پیشنهادی تهیه کرده‌ام که ملاحظه خواهید فرمود بعد اگر اشکالی باشد جواب عرض میکنم (صحیح است) توضیح میدهم.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اجازه میدهید آقای رئیس تجارت توضیحات خودشان را بدهند بعد بنده عرض کنم

افسر - پیشنهاد خوانده شود.

رئیس - مذاکرات باید ختم شود بعد خوانده شود.

آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای ملک زاده

ملک زاده - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - این همان قانون سابق میشود؟ اگر همان است که قبلاً مطرح بود (باسامی - ماده همان ماده سابق است) که مجلس با آن مخالف است اصولاً (صحیح است) مکرر هم مذاکره شد ماحالاً که تصمیم گرفتیم بر اینکه این اختلافات را در مقیاسها برطرف کنیم باید بر روی اصولی باشد که ملل متمدنه دارند قبول میکنند



و آن سیستم متریک است که پایه و بنیانش بنای علمی است و اینجا هم مکرر مذاکره شد در فراکسیون هم مذاکره شد و حالاً هم باین ماده که در قسمت اول در قسمت وزن نوشته شده است چون این طرز اشکال را رفع نمیکند بهتر این است که چنانکه وعده هم دادند آقای رئیس کل تجارت موافقت کنند که اصولاً همان سیستم متریک را قبول کنند (دستی) - حالا موافقت کرده اند آقای افسر پیشنهاد کرده اند) و از این جهت مذاکره در این ماده لزومی ندارد.

رئیس کل تجارت - چون بنده در جلسات گذشته حس کرده بودم که اکثر آقایان متمایلند با اصول متریک و در هیئت دولت هم که مذاکره کرده هیئت دولت هم موافقت کردند که همانطوریکه منظور آقایان است بشود و نظر هیئت دولت این است که حضرت والا شاهزاده افسر پیشنهاد کرده اند که بجای ماده اول پیشنهاد ایشان مطرح شود که واحد مقیاسها روی اصول متری نوشته شود ولی بقی چیزها سر جای خودش محفوظ است.

رئیس - پیشنهاد آقای افسر قرائت میشود.
ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی مملکت ایران مطابق اصول متری بوده و واحد آنها برای طول متر برای سطح مترمربع برای حجم متر مکعب و برای وزن کیلوگرام است اضعاف و اجزای مقیاسهای مزبور مطابق اصول متری خواهد بود.

تبصره ۱ - دولت میتواند وزنه های با مقیاسه با اصول متری از قبیل من (معادل سه کیلو) و سیر (معادل ۷۵ گرم) تهیه نماید.

تبصره ۲ - کلیه اوزان و مقیاسها باید دارای علامت مخصوص دولتی باشد.

رئیس - اشکالی نیست؛ آقای دکتر طاهری **دکتر طاهری** - بنده بگویم خورد که واحد مقیاس وزن کیلوگرام است پس چرا گرام نکنیم؟ (دستی) - گرام اجزاء جزئی است آقا! اگر حالا ما سیستم متریک را قبول کنیم صحیح تر قبول کنیم و واحد را همان گرام

قرار بدهیم و دیگر تغییری در آن ندهیم
رئیس تجارت - همینطور که آقای دکتر طاهری فرمودند اصول متری این است که واحد مقیاس وزن گرام است ولی خود فرانسوی ها که سالها عمل کرده اند اخیراً در ۱۹۱۸ بر خوردند باینکه واحد مقیاس به این کوچکی خوب نیست و اسباب زحمت است و واحد مقیاس وزن را کیلو گرام قراردادند پس چیزی را که دیگران تجربه کرده اند ما حالا نباید دیگر از سر بگیریم بعلاوه واحد مقیاس اگر یک چیزی باشد که بیشتر مورد معامله واقع شود بهتر است (صحیح است)

رئیس - آقای ثقة الاسلامی نظری دارید؟
ثقة الاسلامی - بلی بنده بآن پیشنهادی که آقای افسر کردند موافقم فقط سه کیلو را بکمن قرار دادن مخففم برای اینکه دیگر اصلاً اسم من در کار نباشد مثلاً در آذربایجان من هزار مثقال است اکثر من هزار مثقال آنجا که بموجب قانون سه کیلو میشود با من این ج سه کیلو باشد این برای صادرات مملکت آذربایجان یک مضرات عظیمی تولید میکند آنجا من تبریز ۵ کیلو است فقط با کیلو معین کنند و من دیگر قرار ندهند در مملکت واحد کیلو باشد و الا آذربایجانها ۵ کیلو را معین میکنند ظهر آنها سه کیلو را این باز اسباب زحمت و اول اختلاف است و همان کیلو گرام باشد و من لازم نیست باشد.

مخبر (طهر انچی) - عرض کنم مقیاسات ما اصولاً سیستم متریک است و واحد هم کیلوگرام است فقط این از برای تسهیل است برای اینکه اجرای ماده وزن رسمی لازم است تا رسمیم اینجا و اینکه فرمودید در آذربایجان من هزار مثقال است یکی از نظرها این است که در تمام جاها متحدالشکل و من یک جور باشد و این یکی از نقطه نظرهای این قانون است و این برای صادرات هم ضرر نیست که فرمودید برای اینکه اگر هزار مثقال باشد مال التجاره همان هزار مثقال را میدهد اگر صادر چهل مثقال باشد همان را میدهند.

رئیس - آقایانی که بایشهاد آقای افسر که دولت و مخبر بجای ماده اول قبول کردند موافقت دارند قیام فرمایند (باکثر برخاستند)
رئیس - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:
ماده دوم - طرز تهیه اوزان و مقیاسهای مقرر در این قانون و انتشار آن در مملکت و همچنین قتش اوزان و مقیاسها و جلوگیری از استعمال اوزان و مقیاسهای تقلبی و سایر شرایط اجرای این قانون بموجب نظامنامه های مخصوصی که بتصویب هیئت دولت رسیده باشد مقرر می شود.

تبصره - دولت میتواند لای الاقضاء برای اصلاح قیام و ترازو مقرراتی وضع نماید.

رئیس - مخالفی نیست؟ (خیر) موافقین باماده دوم قیام نمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:
ماده سوم - اداره کل تجارت مکلف است اوزان و مقیاسهای مورد احتیاج هر محل را بقدر کفایت تهیه و در دسترس اهالی آن محل قرار داده و لااقل دو ماه قبل از اجراء تاریخ اجرای آنرا با اطلاع عامه برساند

رئیس - موافقین باماده سوم قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود:
ماده چهارم - پس از اجراء این قانون در هر محل هر کاسب و تاجری که دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و یا هر کس با اوزان و مقیاسهای تقلبی داد و ستد کند به حبس تأدیبی از یک روز تا ۱۵ روز و در صورت تکرار تا سه ماه محکوم خواهد شد بعلاوه اوزان و مقیاسهای تقلبی نیز ضبط می شود.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در شور اول هم عرض کردم خوبست که این مجازات را مطابق ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی قرار بدهند که يك ماده است برای کلیه تخلف از نظامات دولتی و مجازات آن از يك روز حبس است تا

پنج روز و مجازات تقلبی آن از يك تومان تا پنج تومان ولی البته در صورت تکرار موافقم و عقیده ام این است که چون این تمس دارد با عامه مردم در دهات و بلوکات و قراء و قصبات و البته هر چه حبس کمتر باشد بهتر است و اگر موافقت فرمایند که همان ماده که در قانون مجازات عمومی است برای این قبیل موارد مقرر شده است در این مورد اجرا شود بهتر است و این را مشمول همان ماده بکنند.

مخبر کمیسیون اقتصاد ملی - عرض کنم که این ماده که فرمودند راجع بنظامات دولتی و تخلفات از آن که در قانون مجازات عمومی است عرض میکنم که این چون آقا وسیله دادوستد است و اشخاص باید نتیجه زحمات خودشان را نتیجه زندگانی خودشان بدهند و آن رفته تهیه کنند و معیشت کنند و کاسبی کنند البته بنده تصور میکنم در اینجا اگر يك قدری مجازات شدیدتر باشد بهتر است و آنهم باین اندازه که در این جا نوشته شده است بهتر است و خوبست موافقت فرمائید ضرری نخواهد داشت. در لایحه قبلی چنانچه در نظر داشته باشید در شور اول که گذشت این را تقلیل دادند در شور دوم بیانزده روز (از يك الی پانزده روز) تقلیل داده شد عرض کردم قضیه يك طوری است همانطور که خودتان هم فرمودید از طرفی زیاد با مردم تماس دارد و از طرفی هم قضیه باندیجه زحمات اشخاص و زندگانی و معیشت مردم و داد و ستدشان تماس دارد و اگر درست توجه فرمائید این يك نوع دزدی است آقا و البته باید مجازاتش شدیدتر باشد از اینکه فرضاً بهش گفته اند که آقا از دست راست بروا دست چپ رفته خلافی مرتکب شده تصدیق فرمائید خیلی باهم فرق دارد

رئیس - آقای فرهمند

فرهمند - عرض کنم که بنده نظرم هست در کمیسیون مذاکره شد که در صورت تکرار تخلف تا دو ماه حبس میشوند و خود آقای رئیس تجارت هم موافق بودند و گمان میکنم در طبع اشتباه شده و سه ماه نوشته شده است

و تصور میکنم با موافقتی که آقای رئیس تجارت دارند این را اصلاح کنند

رئیس کل تجارت (آقای باسائی) - عرض کنم که بنده مخالف نیستم که پیشنهادهای ایشان بفرمایند که سه ماه دوماه بشود ولی در اینکه حبس تقلب در اوزان و مقادیر باید حبس تأدیبی باشد تردیدی نیست و این غیر امور خلافی است این را آقایان نباید از نظر دور داشته باشند زیرا اشخاصی که اوزان تقلبی بکار میبرند این یک نوع سرقتی است سرقت که دیگر یک نحوه مخصوصی ندارد هر چه که در تحت این عنوان در آید باید مجازات داشته باشد و متخلف هم باید شدیداً مجازات بشود (صحیح است) اما آن قسمت که فرمودند پیشنهاد بفرمایند بنده هم موافقم اگر آقایان موافق باشند که سه ماه در ماه بشود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم که یک توضیحی بدهند که مراد از اوزان تقلبی چه چیز است آیا مقصود کم دادن و زیاد برداشتن است که البته این دزدی است و بایستی مجازات شود ولی اگر مقصود این است که غیر از آن اوزان رسمی که مارك دولت دارد استعمال کنند مثلاً سنگ بگذارد که همان وزن سنگ دولتی باشد اینهم تقلب است و باید مجازات بشود یا خیر؟ اگر این است که خیلی باید تفاوت داشته باشد با سرقت و دزدی مثلاً در فلان دهی اگر فرضاً آن وزنی که ریخته قورخانه نباشد آن را نداشته باشد و یک سنگ آهنی بگذارد مطابق آن وزنه قانونی بطوری که از وزنه رسمی کم ندهد زیاد هم بر ندارد این شخص با کسی که زیاد بردارد و کم بدهد باید فرق داشته باشد و بعقیده بنده باید تصریح شود که مراد کم دادنت که اگر از وزن رسمی و معمولی تخلف کرد و کم باز داشتند (عده از نمایندگان - زیاد دیگر نه) چرا زیاد گرفت متخلف مجازات شود

مخیر - عرض کنم چون فرمودید توضیح داده شود مراد همان است که اگر غیر از آن سنگ رسمی

که مارك دولت دارد غیر از آن سنگ یا هر سنگ دیگری داد و ستد کرد این تقلبی است و اما اینکه فرمودید در يك دهی نباشد سنگ این را توجه بفرمائید در ماده قبل می نویسد که قبلاً اداره تجارت باید بقدر احتیاج هر محل سنگ تهیه به بیند و لا اقل دو ماه قبل اعلان بدهد و حاضر کند و در این ماده هم هست که پس از اجرای این قانون در هر محل - بنا بر این در هر جائی که اجرا نشده باشد این قانون این فرض هیچ مورد پیدا نمیکند و در هر جائی که سنگ داده باشند آن مناط است و اما اینکه فرمودید باید تفاوت داشته باشد بنده نمی خواهم با این فکر مخالفت کنم ولی اگر در هر جائی بخواهیم اینطور و روی این اصلی که فرمودید رفتار کنیم که با هر سنگی که خودشان دلشان میخواهد داد و ستد بکنند این نمیشود برای اینکه خوب میکوبد با مشتری موافقت داشته که از روی همین سنگ بفروشم و این میکوبد نگفته بود و تازه اول اختلاف است و باید برود به یک محکمه و عرض کنم آنوقت منظوری هم که ما داریم از برای توحید اوزان و مقادیر بعمل نمی آید و به نتیجه نمیرسیم زیرا منظور دولت و مملکت اینست که در تمام مملکت اوزان و مقادیر یکی باشد و اگر بخوایید اجازه بدهید که غیر از سنگ رسمی با سنگ های دیگر بکشند ابتدا آن نتیجه گرفته نمیشود و دیگر هم مجازات خیلی شدید نیست و بلکه برای جلب توجه اکثریت مجلس هم خیلی در مجازات تخفیف داده شده است در صورتیکه این عمل یک عمل دزدی است و تقلب و سرقت است و باید بیش از این مجازات شود.

رئیس - آقای فرشی

فرشی - عرض بنده در ماده چهارم راجع به مقیاسهای تقلبی و استعمال آنها است (عده از نمایندگان - آقای بلندتر نمی شنوم) که می نویسد اگر سنگ قالب استعمال کند از یک تا پانزده روز و در صورت تکرار نامه ماه حبس می شوند ولی این جا توضیح نداده اند که مقصود از قالب چیست؟

یکدفعه این است که بموجب این قانون در مواقع اجرا واحد مقیاس ما کیلو است و اجزاء و انصاف متری را قبول کردیم آنوقت آمدیم برای آشنائی مردم سه کیلو را تطبیق کردیم بایک من تبریز یعنی چون مردم آشنا نیستند بایستی نامدنی تطبیق کنند و این ممکن است در سایر جاها هم با سایر وزنهائی که معمول است تغییر پیدا کند مثلاً من جدید شهر تبریز هزار مثقال است و من معمولی تبریز ۶۴۰ مثقال است و با این حساب من تبریز که سه کیلو است من جدیدش زیادتر می شود ممکن است پنج کیلو بشود و فرد ممکن است این پنج کیلو را یک من حساب کنند و در آن جا معمول بدزد مثل اینکه در این جا سه کیلو را روی حساب من تبریز ۶۴۰ مثقال خوب اگر تقلب این است و قالب این است که این خیلی سبب زحمت می شود و همه خواهند رفت بسحکمه جزا میگویند این پنج کیلو را با سه من فروخت و این تقلب محسوب می شود یا آن یکی چهار کیلو را یک من این را بنده مخالف هستم ولی اگر قالب راجع باین است که ۹۰۰ گرام را در عوض هزار گرام استعمال کند این تقلب است و این صحیح است و این باید توجیه شود که در موقع اجرا ما اولین ما که متأسفانه هم خوش ایت هستند اینها را تقلب فرض می کنند در همدان باین حساب چهار کیلو یک من است آنوقت می آید چهار کیلو را یک من حساب می کنند این تقلب نیست تقلب بایستی توضیح داده بشود که مقصود از آن چیست مقصود این است که مثلاً ۹۰۰ گرام را بجای ۱۰۰۰ گرام بدهد این تقلب است نه اینکه سه کیلو را بمن تبریز در این جا و پنج کیلو را بمن تبریز در تبریز و چهار کیلو را در همدان بمن همدان بمردم بدهند این را باید توضیح بدهند که بعد سبب اشکال شود

رئیس کل تجارت - عرض میشود فرمایش حضرت آقای فرشی میرسد که توجه کاملی بنماید اول در دولتمش فرمودند مطابق تحقیقاتی که شده در تمام مملکت بود و چند رقم (فسر - ۲۵۰ رقم) وزن مختلف وجود دارد و تمام اینها باید در نتیجه این قانون از بین برود می خواهد در تبریز می خواهد در طهران می خواهد در همدان در هر کجا باشد وقتی حاضر شد نامه اینها را

دولت در محاش اعلام خواهد کرد و بعد که آنها را حاضر و آماده کرد دیگر هیچ وزنی رسمیت ندارد و هر چه استعمال شود تقلب است و اگر غیر از این باشد تقلب است و باطرز دیگر هم اجرا نمی شود این قانون مثلاً در محمره هرمن سه چهار من تبریز است خوب اینکه نمی شود خودش مقایسه بکند با کیلو و خودش برای خودش یک چیزی درست کند این نمی شود هر وقت دولت وسائل اجرای این قانون را در خوزستان فراهم کرد عیناً همانطوری است که در این جا با در تبریز معمول است منتهی دولت یک وزنه های سه کیلویی هم درست می کند با سه من و دولت غیر از وزنه سه کیلویی درست نمی کند و ز شهر بشهر هم شروع می شود اول در شهر طهران شروع می شود فرضاً پنج هزار سری سنگ تهیه می شود پس از آنکه حاضر شد تقسیم می شود دیگر هیچ کاسبی ممکن نیست که غیر از این وزنه ها داشته باشد و نمی گذاریم داشته باشد باید تمام اوزان شان را بفروشد بدولت و اوزان جدید بگیرند و معاوضه کنند و لا اگر بخواهند اوزان رسمی باشد و آقایان خودشان در هر جائی یک وزنی بپیل خود درست کنند و تطبیق کنند این بدتر می شود - دیگر اینکه ما برای شناسائی و پروا کنند مطلب البته لازم است یک جدولهای تهیه کنیم و مقایسه کنیم ولی کسی حق ندارد وزنه غیر از آنچه دولت میدهد و معمول است داشته باشد مثلاً در همین طهران الآن برای ذغال و حتی برای بعضی ادویهجات من ری استعمال می شود الآن در فروش قد کرج بجای من تبریز من شاه استعمال می شود تمام اینها باید موقوف شود بالآخره برمی گردیم به کیلو و بهمراهی آن هم من سه کیلویی در تمام مملکت معمول شود عده از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است

رأی رأی

افسر - خیر کافی نیست بنده مخالفم و کافی نمیدانم **رئیس -** بفرمائید.

افسر - یک چیزی این جا مانده و باید توضیح داده شود و اگر گوش بدهید تصدیق می فرمائید که حق با بنده است و آن مسئله کیل است در خیلی از جاها با کیل مردم معامله می کنند در سرخرمنها و اینها و بایستی

اینها مستثنی باشند یا اینکه همانطور که دولت وزنهائی معین می کند برای آنها هم وزن و سنگی معین می کنند و لایا اگر ایطور نباشد آنها هم اوزان قلبی محسوب می شود؟ یا خیر کیل های مخصوصی معین می کنند و تقسیم می کنند بین رعایا و مالکین و این ها مثلاً صد خروار گندم را با کیل معامله می کنند خوب بعدها اینها هم قلبی محسوب می شود یا وزنه برای آنها معین میشود؟ در هر صورت طوری نباشد که مردم بزحمت بیفتند اگر آنها را می خواهید آزاد بگذارید که باید در مجلس قید شود و یا اینکه برای آنها هم می خواهید مثل سایرین سنگ معین کنید آن هم توضیح بدهید تا تکلیف مودم در این قبیل موارد معلوم شود و مجمل نماید مطلب

رئیس کل تجارت - عرض کنم که برای مکابله در خرمن ها اگر يك روزی دولت موفق شد و رسید بجائی که تمام روسایان و دهاتیان بهمین وجه که توحید اوزان و مقادیر فوئدش چیست ممکن است مقرراتی هم وضع بکنند که کیل چطور است بنا بر این حالا موقع آن نیست

افسر - پس آزادست با این توضیح

کلالی - صحیح است

رئیس - حالا کافی است؟ آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. پیشنهادی از آقای فرهمند رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه در صورت تکرار نوشته شود تا دو ماه

رئیس کل تجارت - بلی بنظر دولت خیلی فرق نمی کند. بنده موافقم

رئیس - آقای مخیر

مخیر - بنده هم موافقم

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشامزاده رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل به آخر ماده چهارم اضافه شود: هر کاسب و تاجریکه با اوزانی غیر اوزان مذکور در ماده فوق داد و ستد کند بجنس از يك تا ۸ روز یا

جریمه قندی از ۵ تا ۵۰ ریال و در صورت تکرار بپرد و مجازات محکوم خواهد شد

احتشامزاده - پیشنهادی که بنده کرده ام روی نظریه ایست که نماینده محترم آقای طاهری بیان کردند چون این يك مسئله اساسی است که ما همیشه باید مجازات متناسب با جرم باشد اگر يك کسی اوزان قلبی استعمال کند که نتیجه اش این باشد که سرقت کند یا کلاه برداری کند از مشتری البته او حشش این است که مجازاتش زیاده تر باشد تا يك کسی که يك وزنی غیر آن وزنی که دولت تهیه می کند و بپردازد. چون در آن صورت اول این مرتکب يك جنحه شده است و حقاً باید مجازاتش زیاد باشد ولی در صورت ثانی که يك سنگی غیر از آن سنگی که دولت معین کرده استعمال کند این عمل خلافی است و بایستی مجازاتش مجازات خلافی باشد این است که بنده پیشنهاد کرده نسبت به اشخاصی که اوزان قلبی استعمال کرده اند همانطوری که در ماده نوشته شده است مجازات شوند ولی اشخاصی که اوزانی غیر اوزانی که دولت تهیه کرده است و در دسترس مردم گذاشته است استعمال کنند او را دیگر نباید گفت که این سرقت یا کلاه برداری کرده است برای این که این در واقع و در معنی يك جنس را مطابق آن وزنی که دولت معین کرده بشتری خودش داده و هیچ کلاه بردار نیست فقط مرتکب خلاف شده است این بود که بنده خواستم این اصل رعایت شود که مجازات متناسب با جرم باشد و این پیشنهاد را کرده که قسمت ثانی مشمول خلاف باشد و مجازات خلافی در شق ثانی اعمال بشود

مخیر - بنده تصور می کنم که نخواهند فرمایند که يك وزنه غیر وزنه دولتی استعمال کرد از نقطه نظر غیر قلب خلاف باشد عرض کنم که بنده نمیدانم این چطور می شود اولاً این قضیه محرزشدن خیلی کار مشکلی است باضافه اگر منظوری ندارد که تقاب بکند چه دلیل دارد که وزنه غیر آنچه مجلس شورای ملی تصویب کرده است و دولت در دسترس او گذارده است استعمال کند در صورتیکه دولت تهیه می کند و باو مهلت هم میدهد دیگر اگر قصد قلب ندارد چرا این کار را می کند؟ (صحیح است) و وزنه غیر دولتی استعمال میکند

بعلاوه تازه با این نظر حضرت عالی ما يك محکمه می خواهیم که این را تحقیق کند و اگر بنا بشود این را قبول کنیم در تشخیص این عمل دچار اشکال می شوند و اصل مقصود از این می رود و غیر عملی می شود (صحیح است) و هر کس هر وزنه را که می خواهد استعمال میکند و میگوید خیر این قلبی نبوده است و سبب زحمت می شود و بنده نمی توانم این پیشنهاد را قبول کنم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای احتشامزاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعتزاده پیشنهاد میکنم در مورد ساختن و استعمال وزنه های قلبی مرتکب بمجازات جعل مهر دولتی محکوم شود

شریعتزاده - بنده پیشنهاد را کردم برای اینکه مطالبی را که دارم بعرض مجلس برسانم و جهتش هم این بود که در موقع مذاکره در ماده نوبت به بنده نرسید. عرض کنم که در این ماده مجازات برای استعمال وزن قلبی معین شده است در صورتیکه این جا دو مطلب است یکی استعمال وزنه قلبی یکی هم ساختن وزنه قلبی و باید بین این دو تمکیک کرد اگر کسی وزنه دولتی را که مارك و مهر دولت را دارد بسازد این در حکم جعل اسناد دولتی یا امهار دولتی است و تکلیف این در قانون معین شده است - یکی هم در مورد کسانی است که این اوزان ساختگی را استعمال می کنند در این مورد مجازات آنها منوط بعلم و اطلاع آنها است و الا اگر يك کسی وزنه قلبی را بفروشد بدون اینکه مرده ملتفت بشوند و مرده آن را استعمال کنند و تمند اینها دیگر قابل مجازات نیستند. يك قسمت دیگر راجع است به استعمال وزنه های غیر دولتی ولی مساوی با اوزان دولتی در این صورت هم همانطور که همکار محترم من آقای احتشامزاده تذکر دادند این مجازات خلافی است ولی اگر يك کسی وزنه غیر دولتی استعمال کرد و کم هم بود در این صورت کلاه بردار است و باید مجازات کلاه بردار بشود بنده این توضیحات را دادم که آقای رئیس تجارت

توجه فرمایند که بالاخره تعارضی بین قوانین باشد بالاخره در مجازات قوانین مملکتی نباید تفاوتی بین شان باشد اگر يك کسی مهر دولتی را ساخت و تقاید کرد مطابق قانون مجازات عمومی مجازات نمی شود و آیا در آن جا مجازاتش معلوم شده است؟ (عده از نمایندگان - چرا) خوب آیا این کسی هم که این وزنه را که دارای مهر دولتی است تقاید بکند و بسازد این جعل به آن معنی هست یا نیست؟ اگر نیست که باید مستثنی بشود و باید توضیح بدهند که این مطلب دیگری است و اگر غیر از این است باید توضیح بدهند که چرا عطف بقانون مجازات شده

رئیس کل تجارت - عرض کنم همانطور که فرمودند اگر کسی علامت مخصوص یا مهر مخصوص دولت را جعل کند مطابق قوانین عمومی البته مجازات می شود فقط چیزی که این جا منظور نظر است این است که اگر تاجر یا کاسبی وزن قلب داشته باشد مجازات می شود بغیر کاسب و تاجر سایرین هم اگر اوزان و مقیاسهای قلبی بکار ببرند مجازات می شوند و در این ماده گفته شده است هر کس با اوزان قلبی دادوستد کند یا هر کاسب و تاجری که دارای اوزان و مقیاسهای قلبی باشد مجرم است (شریعتزاده - خوب اوچه می داند) و باید مجازات شود برای اینکه اوزان قلبی در دکان قصاب بقال است می خواهد برای چه؟ جز اینکه می خواهد قلب کند و بکار ببرد این است که داشتن آنها برای شان جرم است و الا اگر کسی نوبی خانه اش يك سنگی از قدیم هست خوب آن جا هست و اما در قسمت جعل و ساختن آن البته تابع مقرراتی است که در قانون مجازات عمومی است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد شریعتزاده را

شریعتزاده - بنده استرداد میکنم

رئیس - آقایانی که با ماده چهارم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده پنجم قرائت می شود.

ماده پنجم - قانون مصوب دهم خرداد ۱۳۰۴ شمسی ملغی است

رئیس - آقای طباطبائی دینا

طباطبائی دینا - در کلیه قوانین تاریخ برای اجرا معین می شود ولی در این قانون معین نشده که از چه وقت اجرا می شود؟ در صورتیکه یا باید معین باشد یا موکول شود بمقررات عمومی که در قانون مدنی مصرح است

مخبر - عرض کنم که در ماده سوم پیش بینی شده است که تاریخ اجرای این قانون از چه وقت است زیرا که می نویسد: داره کل تجارت مکلف است اوزان و مقیاسهای مورد احتیاج هر محل را بقدرکفایت تهیه و در دسترس بهائی آن محل قرار داده و لا اقل دو ماه قبل از اجراء تاریخ اجرای آن را با اطلاع عامه برساند. (طباطبائی دینا - از کی؟) (افسر - از هر وقت می خواهند) این يك چیزی نیست که امروز فوراً در تمام مملکت اجرا شود این وسائل لازم دارد تهیه اوزان و غیره وقت می خورد و در ماده سوم هم معین شده و بتدریج در تمام مملکت اجرا می شود اشکالی هم ندارد (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه با ماده پنجم موافقت قیام فرمایند. (عمده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه از آقای روحی رسیده است قرائت می شود:

ماده الحاقیه
این قانون پس از یکسال از تاریخ تصویب در طهران و پس از دو سال در سایر ولایات و ایالات اجرا خواهد شد

روحی - عرض کنم که بخاطر دارم در دوره پنجم يك قانونی برای توحید اوزان و مقادیر از مجلس گذشت و حالا در دوره هشتم است و هنوز اجرا نشده و آقای رئیس کل تجارت آمده اند و قانون جدیدی پیشنهاد کردند و باین اصراری که ایشان دارند که حتی در پایان مجلس هم که چند روز بیشتر باقی نمانده می آیند و وقت خودشان را صرف میکنند این قانون خوبست دیگر در محاق تعطیل نماند این

است که خواستم عرض کنم که این جور ماده که در آن قانون بود خوبست دولت آن را در نظر بگیرد و این اوزان فعلی را با کسر يك عشر یا دو عشر هر چه ممکن است آنها را قبول کنند باین قیمت عادلانه و این وزنه های جدید را بدهند (صحیح است)

رئیس کل تجارت - دولت هم تقریباً همین نظر را دارد و در نظام نامه که هیئت دولت خواهد نوشت این معنی تامین خواهد شد منتهی نه اینکه قید بشود که مثلاً دو تالت یا يك تالت قیمت معین بشود البته باید این اوزان و وزنهائی باشد که قابل این باشد که دوبرتبه ذوب بشود و

وزنه جدیدی ساخته شود و البته رعایت خواهد شد. (صحیح است) (کافی است)

رئیس - آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد [۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده سه شنبه ۲۰ دی ماه ساعت ۷ بعد از ظهر دستور لوایح موجوده (مجلس ساعت یازده و نیم بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

مجازات مستخدمین قشونی که برخلاف حقیقت راپورت می دهند

ماده واحده - هر يك از صاحبان نظامی و هم‌ردیفان آنها و یا اعضاء و مستخدمین دوائر و قسمتهای قشونی ز پزرتی برخلاف حقیقت بمقام مافوق تقدیم نماید و یا جریانی را مستورد داشته و باطلاع مقام مافوق نرساند و یا حقایق را پرده پوشی کرده و راپورت آن را با تغییر ماهیت قضیه بمقام مافوق تقدیم کند و یا سعی نماید که حقایق بطور ناقص باطلاع مافوق برسد بطریق ذیل مجازات خواهد شد:

(۱) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی بوده و موجب اتلاف نفس شود مقصر به حبس مؤبد با اعمال شاقه محکوم می شود و اگر اقدام یا عدم اقدام عمدی که منجر بمحکومیت بمجازات غیر از اعدام شود مقصر بهمان مجازاتی که برای محکوم مزبور معین شده است محکوم خواهد شد لیکن اگر بعداً در نتیجه کشف حقیقت مجازات محکوم مزبور اجرا شود بمجازات که برای مقصر معین شده است یک درجه تخفیف داده خواهد شد در صورت تعدد محکومین مجازات مقصر شدیدترین مجازاتی خواهد بود که برای یکی از آنها معین شده است

(۲) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی بوده و منجر با اتلاف مال شود مقصر به حبس با کار از یک تا سه سال محکوم خواهد شد

(۳) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی بوده و هیچیک از تایید فوق را بخشد مقصر به حبس عادی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود

(۴) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی نبوده ولی منجر بمحکومیت دیگری گردد مقصر به حبس عادی از هشت روز تا دو سال محکوم می شود بدون اینکه مجازات او بتواند از مجازات خود محکوم بیشتر گردد مگر اینکه محکومیت غیر با اعدام یا حبس مؤبد با اعمال شاقه باشد که در اینصورت مجازات مقصر به حبس با کار از دو تا پنج سال خواهد بود

(۵) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی نبوده ولی منجر به اتلاف مال شود مقصر به حبس عادی از هشت روز تا شش ماه محکوم می شود

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

قانون

اوزان و مقیاسها

ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی مملکتی ایران مطابق اصول مترى بوده و واحد آنها برای طول متر - برای سطح مترمربع - برای حجم مترمکعب - و برای وزن کیلوگرام است اضعاف و اجزاء مقیاسهای مزبور مطابق اصول مترى خواهد بود

تبصره (۱) - دولت می تواند وزنهائی با مقایسه با اصول مترى از قبیل من معادل (سه کیلو) و سیر معادل ۷۵ گرم تهیه نماید

تبصره (۲) - کاپیه اوزان و مقیاسها باید دارای علامت مخصوص دولتی باشد

ماده دوم - طرز تهیه اوزان و مقیاس‌های مقرر در این قانون و انتشار آن در مملکت و همچنین تقطینش اوزان و مقیاسها و جلوگیری از استعمال اوزان و مقیاس‌های تقلبی و سایر شرایط اجرای این قانون بموجب نظامنامه‌های مخصوصی که بتصویب هیئت دولت رسیده باشد مقرر میشود.

تبصره - دولت می‌تواند لدی‌الاقضاء برای اصلاح قیاس و ترازو مقرراتی وضع نماید.

ماده سوم - اداره کل تجارت مکلف است اوزان و مقیاسهای مورد احتیاج هر محل را بقدر کفایت تهیه و در دسترس اهالی آن محل قرار داده و لااقل دو ماه قبل از اجراء تاریخ اجرای آن را با اطلاع عامه برساند.

ماده چهارم - پس از اجراء این قانون در هر محل هر کاتب و تاجری که دارای اوزان و مقیاسهای قالب بوده و یا هر کس با اوزان و مقیاسهای تقلبی داد و ستد کند به حبس تأدیبی از یک روز تا پانزده روز و در صورت تکرار تا دو ماه محکوم خواهد شد. علاوه اوزان و مقیاسهای تقلبی نیز ضبط می‌شود.

ماده پنجم - قانون مصوب دهم خرداد ۱۳۰۴ شمسی ملغی است.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه هیجدهم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب

مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - دادگر